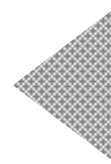


الزامات رقابت پذیری در بخش‌های صنعت و تجارت (با تأکید بر تجربیات داخل کشور)



دکتر لطف‌الله فروزنده دهکردی^۱

حسین رحیمی کلور^۲

(تاریخ دریافت ۸۸/۸/۲۰ - تاریخ تصویب ۸۹/۱/۲۵)

چکیده

گسترش تجارت جهانی، تغییرات سریع در الگوهای مصرف و تقاضا، انقلاب در فناوری اطلاعات و نیز افزایش در کمیت و کیفیت رقابت محلی و بین‌المللی در دو دهه اخیر موجب گردیده، مفهوم رقابت‌پذیری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شود، لذا در این مقاله مفاهیم اصلی و اساسی رقابت‌پذیری، مؤلفه‌های تأثیرگذار در رقابت‌پذیری، رابطه توسعه اقتصادی با رقابت‌پذیری اقتصاد، رقابت‌پذیری و صادرات تبیین گردیده و ضمن بر شماری عناصر سه‌گانه توسعه و رونق اقتصادی یک کشور، به موارد رقابت‌پذیری و یکپارچگی در حوزه سیاست‌های صنعتی با نگرش‌های کاملاً بومی اشاره گردیده است.

واژگان کلیدی: رقابت‌پذیری، مدل توسعه اقتصادی، فضای رقابتی، صادرات، سیاست‌های صنعتی.

مقدمه

فرایند جهانی شدن، به وجود آمدن سازمان تجارت جهانی و یکپارچگی بازارهای جهانی، پیشرفت‌های سریع و بنیادین تکنولوژیک، پیشرفت‌های جدید در زمینه فناوری اطلاعات، تغییرات سریع در الگوهای مصرف و تقاضا، تبیین کنترل‌های آلودگی محیط

۱- استادیار دانشگاه پیام نور، l.forzandeh@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی دانشگاه پیام نور تهران، rahimi_celever@yahoo.com

زیست و حفظ منابع انرژی، کمبود منابع و هزینه‌های بالای آنها، چالش‌هایی هستند که بنگاه‌ها و صنایع مختلف در عرصه تجارت و فعالیت‌های اقتصادی با آن روبرو هستند و ادامه حیات آنها، منوط به تصمیم‌گیری درست و به موقع در برابر این تغییرات است. در این میان، فرایند جهانی شدن و گسترش بازارهای مصرف و نیز افزایش تعداد رقبا و شدت رقابت، باعث اهمیت بخشیدن به مفاهیمی مانند رقابت‌پذیری شده است. این امر موجب گردیده تا بنگاه‌ها، صنایع و کشورهای مختلف در جهت ارتقای رقابت‌پذیری خود به شناسایی عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری و تقویت آنها تلاش کنند. بسیاری از محققان جهت توجیه و تفسیر رقابت‌پذیری و عوامل مؤثر بر آن، نظریه و مدل‌هایی را عرضه داشته‌اند و عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری را دسته‌بندی کرده و در قالب مدل‌هایی ارائه کرده‌اند. این نظریه‌ها و مدل‌ها نیز از تنوع نسبتاً زیادی برخوردارند. اما در این میان ما بدنبال یافتن مدلی کاملاً بومی در حوزه‌های تجاری و صنعتی می‌باشیم که ضمن بهره‌گیری از مدل‌های مفید، پاسخگوی نیازهای واقعی کشور باشد.

مفهوم رقابت‌پذیری

مطالعه نظریات صاحب‌نظران و پژوهشگران مختلف نشان می‌دهد که از رقابت‌پذیری تعریف و تعبیر واحدی وجود ندارد. اما به طور کلی می‌توان رقابت‌پذیری را قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی دانست که یک کسب و کار، صنعت، منطقه، کشور دارا هستند و می‌توانند آنها را حفظ کنند تا در عرصه رقابت بین‌المللی، نرخ بازگشت بالایی را در فاکتورهای تولید ایجاد کرده و نیروی انسانی خود را در وضعیت نسبتاً بالایی قرار دهند. به عبارت دیگر، رقابت‌پذیری؛ توانایی افزایش سهم بازار، سوددهی، رشد ارزش افزوده و ماندن در صحنه رقابت عادلانه و بین‌المللی برای یک دوره طولانی است. رقابت‌پذیری در اثر ترکیبی از دارایی‌ها و فرایندها به وجود می‌آید. دارایی‌ها یا به صورت موهبتی است (مثل منابع طبیعی) و یا ساخته شده بوسیله انسان است (مثل زیرساخت‌ها) و فرایندها که دارایی‌ها را به منافع اقتصادی حاصل از فروش به مشتریان تبدیل می‌کند و در نهایت موجب ایجاد رقابت‌پذیری می‌گردند.

از طرفی رقابت‌پذیری یک مفهوم تطبیقی^۱ است که توانایی یا عملکرد یک شرکت، بنگاه اقتصادی، یک بخش اقتصادی یا یک کشور را در زمینه عرضه کالاها یا خدمات خود به یک بازار مشخص نشان می‌دهد.

رقابت‌پذیری امروزه مفهوم یا قلمروی گسترده‌ای دارد و در تعیین آن ده‌ها فاکتور یا عامل دخالت دارند. رقابت‌پذیری در سه سطح قابل بررسی و مطالعه است:

۱- در سطح شرکتهای؛

۲- در سطح ملی؛

۳- در سطح بین‌المللی.

هر شرکتی که بتواند به بهترین شکل ممکن، منابع در دسترس اعم از سرمایه، نیروی کار و تکنولوژی را تلفیق کرده و محصول تولیدی خود را به بازار عرضه کند، شانس موفقیت بیشتری دارد.

هر کشوری کوشش می‌کند از همه توانمندی‌های خود اعم از منابع طبیعی، نیروی متخصص، سرمایه‌های معنوی، موفقیت ژئوپلیتیکی، ویژگی‌های فرهنگی و ... برای توسعه تجارت و پیشی گرفتن بر رقبای استفاده کند و رقابت‌پذیری را به خارج از مرزهای جغرافیایی خود تسری دهد و در جرگه قدرت‌های بزرگ اقتصادی در منطقه یا عرصه بین‌المللی قرار گیرد.

رقابت‌پذیری در ساده‌ترین تحلیل به «بهره‌وری» بستگی دارد که نشان می‌دهد یک ملت تا چه حد می‌تواند از نیروی انسانی، سرمایه و منابع طبیعی خود برای توسعه اقتصادی استفاده کند. به موازات توسعه بهره‌وری؛ دستمزدها افزایش می‌یابد، بازارها گسترش پیدا می‌کند، درآمد کشورهای بالا می‌رود و سرانجام اتباع کشور از رفاه بیشتری برخوردار می‌شوند.

مؤلفه‌های تأثیرگذار در رقابت‌پذیری

کارشناسان اقتصادی، عوامل متعددی را در رقابت‌پذیری مؤثر می‌دانند. در گزارش سال جاری «مجمع جهانی اقتصاد» به ۱۲ عامل مهم اشاره شده است که هر یک از این عوامل

به نوبه خود به زیربخش‌های متعدد دیگری تقسیم می‌شوند.

۱- نهادها^۱

نهادها، سازمان‌ها یا تشکیلات اداری موجود در هر کشور، چارچوب‌ها یا محدوده‌های خاصی محسوب می‌شوند که در درون آنها افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها با یکدیگر ارتباط یا تعامل برقرار می‌کنند تا بتوانند برای اقتصاد کشور در آمد یا ثروت تولید نمایند.

۲- زیرساخت‌ها^۲

بررسی‌های انجام شده ثابت کرده است که وجود زیرساخت‌های گسترده و کارآمد، نیروی محرکه رقابت‌پذیری است و بدون ایجاد این زیرساخت‌ها نمی‌توان در عرصه رقابت پذیر کردن اقتصاد به موفقیت دست یافت.

از جمله این زیرساخت‌ها می‌توان به برخورداری یک کشور از شبکه کارآمد حمل و نقل، نیروی متخصص، مناسب بودن کیفیت جاده‌ها و شاهراه‌ها، خطوط راه آهن مدرن، بندر مجهز و خطوط هوایی منظم اشاره کرد به گونه‌ای که صادرکنندگان بتوانند کالاهای خود را به موقع و با اطمینان خاطر به بازارهای هدف عرضه نمایند. این قبیل زیرساخت‌ها امکان نقل و انتقال نیروی کار را به مشاغل مناسب فراهم می‌کند.

۳- ثبات اقتصادی در سطح کلان^۳

هنگامی که در یک کشور نرخ تورم بالا یا خارج از کنترل است، شرکت‌ها یا بنگاه‌های اقتصادی نمی‌توانند تصمیمات آگاهانه، منطقی یا خردمندانه‌ای اتخاذ کنند. اگر نرخ بهره بالا باشد یا دولت‌ها بابت بدهی‌های گذشته خود ناگزیر به تحمل بهره‌های گزافی باشند، قادر نخواهند بود که تسهیلات مناسبی در اختیار واحدهای تولیدی، صادرکنندگان یا مؤسسات تجاری قرار دهند. کشورهایی که اقتصاد کلان آنها دستخوش عدم ثبات است، از لحاظ رقابت‌پذیری در موقعیت مطلوبی قرار ندارند.

۱ - Institutions

۲ - Infrastructures

۳ - Macroeconomic Stability

۴- بهداشت و آموزش‌های اولیه^۱

برخورداری یک کشور از نیروی کار سالم و تندرست در رقابت‌پذیری و بهره‌وری نقش حیاتی دارد. نیروی کار بیمار نمی‌تواند وظایف خود را به درستی انجام دهد یا از توانمندی‌های خود به طور کامل استفاده کند، به همین سبب بازده اقتصادی کمتری دارد. سرمایه‌گذاری غیرمکفی در بخش بهداشت، هزینه‌های هنگفتی به بخش تجارت (و به طور کلی اقتصاد کشور) تحمیل می‌کند.

۵- تحصیلات عالی و کارآموزی^۲

کیفیت تحصیلات عالی در هر کشور و آموزش‌هایی که به افراد داده می‌شود در رقابت‌پذیری اقتصاد تأثیر قاطع دارد و تردیدی نیست که اگر نیروی کار از تخصص یا آموزش‌های اساسی برخوردار نباشد، یا تحصیلات عالی در یک کشور از کیفیت مطلوب برخوردار نبوده و با استانداردهای بین‌المللی منطبق نباشد، بنگاه‌های اقتصادی قادر به اصلاح و بهبود فرآیندهای تولید و گذار از مرحله تولید کالاهای ساده به کالاهای پیچیده و مبتنی بر فناوری پیشرفته نخواهند بود.

۶- کارآمدی بازار کالا^۳

کشورهایی که از بازار کالای کارآمدی برخوردار هستند، به خوبی قادرند که از «آمیزه تولید کالاها و خدمات» به بهترین نحو بهره‌برداری نمایند. تولید کالای مناسب با قیمت و کیفیت مناسب، منطبق با نیاز مصرف‌کننده، امکان راه‌یابی به بازارهای فروش در داخل و خارج را فراهم می‌کند. این کشورها صرفاً تولیدکننده یک یا چند نوع محصول مشخص نیستند، بلکه می‌توانند خطوط تولید خود را متناسب با تحول در بازار تغییر دهند، ویژگی‌های کالاهای موجود را تغییر داده یا به تولید کالاهای جدیدی مبادرت نمایند و چرخه حیات کالاهای خود را افزایش یا ماندگاری آنها را بیشتر کنند.

۱ - Health

۲ - Higher Education And Training

۳ - Good Market Efficiency

۷- کارآمدی بازار کار^۱

اگر بازار کار در یک کشور از انعطاف و کارآیی لازم برخوردار باشد، می‌توان اطمینان حاصل کرد که اقتصاد آن کشور از وجود این نیرو به کارآمدترین شکل ممکن استفاده خواهد کرد. مشوق‌هایی که به نیروی کار داده می‌شود باید با نوع شغل و درجه کارآیی افراد متناسب باشد.

۸- پیچیدگی بازار مالی^۲

کشورها به بازارهای مالی پیشرفته و پیچیده نیاز دارند، به گونه‌ای که بخش خصوصی بتواند برای سرمایه‌گذاری از منابع متعدد و ابزارهای گوناگون استفاده کند و برای تأمین نیازهای خود، صرفاً به منابع بانکی متکی نباشد. البته وجود یک سیستم بانکی کارآمد که از یک خط مشی پولی سالم تبعیت می‌کند، لازمه رقابت‌پذیر کردن اقتصاد است.

۹- سطح آمادگی تکنولوژیکی^۳

ارزیابی سطح آمادگی تکنولوژیکی یک کشور در تشخیص درجه رقابت‌پذیری آن کشور اهمیت زیادی دارد. معیارهای متعددی برای تعیین سطح آمادگی تکنولوژیکی یک کشور وجود دارد. هنگامی که یک فناوری برای نخستین بار ابداع می‌شود، بلافاصله قابلیت کاربرد ندارد؛ بلکه باید از طریق تجربه، آزمون‌های واقعی و روش‌های دیگر اجرایی کردن آن را محقق ساخت. پایین‌ترین سطح آمادگی تکنولوژیکی با پژوهش‌های علمی آغاز می‌شود، این پژوهش‌ها باید به تحقیقات کاربردی و توسعه‌ای تبدیل شوند.

۱۰- اندازه بازار^۴

اندازه یک بازار در بهره‌وری تأثیر به‌سزایی دارد، زیرا هر چه بازاری که در دسترس

۱ - Labor Market Efficiency

۲ - Financial Market Sophistication

۳ - Technological Readiness Level

۴ - Micro-Machine

یک شرکت قرار دارد، گسترده‌تر یا بزرگ‌تر باشد، آن شرکت بهتر می‌تواند از مزایای تولید انبوه بهره‌مند شود. گستردگی بازارها در رقابت‌پذیری تأثیر بسزایی دارند، زیرا امکان استفاده از «اقتصاد مقیاس» را فراهم می‌سازند. برای شرکت‌هایی که در قلمروی یک کشور فعالیت دارند، برخورداری از تقاضای بالا جهت فروش محصول، واجد اهمیت زیادی است.

۱۱- تخصصی شدن تجارت^۱

در دنیای امروز، تجارت بیش از پیش تخصصی شده و با روش‌های ساده نمی‌توان به اهداف بزرگ تجاری دست یافت. هنگامی که عرضه‌کنندگان یک کالا یا فعالان یک بخش خاص اقتصادی از لحاظ جغرافیایی به یکدیگر نزدیک شده و به ایجاد یک «خوشه صادراتی» اقدام می‌کنند، کارآیی آنها افزایش می‌یابد و فرصت‌های بیشتری برای «نوآوری در محصول» یا فرآیند تولید در اختیار آنان قرار می‌گیرد و موانعی که در راه ورود به بازار، برای شرکت‌های نوپای عضو خوشه‌های صادراتی وجود دارد، کاهش می‌یابد که نتیجه آن افزایش رقابت‌پذیری در بازارهای هدف است.

۱۲- نوآوری^۲

نوآوری در اقتصاد عبارتست از ایجاد تحولی است که به افزایش ارزش از دیدگاه تولیدکننده یا مصرف‌کننده منجر شود. هدف از نوآوری ایجاد تغییرات مثبت در جهت بهینه کردن کالاها، ایجاد تسهیل در زندگی، دستیابی به رفاه و نظایر آنست. از آنجا که نوآوری به افزایش بهره‌وری منجر می‌شود، رقابت‌پذیری را ارتقاء می‌بخشد که نتیجه آن افزایش درآمد و ثروت جامعه است.

نوآوری نه تنها در برگزیده نوآوری‌های تکنولوژیکی است و به تزریق کالاها و خدمات جدید به درون اقتصاد منجر می‌شود، بلکه شامل سایر اشکال نوآوری مانند نوآوری‌های سازمانی نیز می‌شود که ماهیتی غیرتکنولوژیک دارند. نوآوری‌های اخیر

۱ - Business Sophistication

۲ - Innovation

مشمول بر معرفی روش‌های جدید مدیریتی، تکنیک‌های نوین بازاریابی، به کارگیری تدارکات لجستیکی و نظایر آنهاست.

رابطه توسعه اقتصادی با رقابت‌پذیری اقتصاد :

بر اساس معیارهای «مجمع جهانی اقتصاد»، درجه توسعه‌یافتگی کشورها در رقابت‌پذیری آنها تأثیرگذار است. کشورهای تحت بررسی مجمع، از لحاظ توسعه در طبقه‌بندی‌های زیر قرار می‌گیرند.

- مرحله یک

کشورهایی که درآمد سرانه کمتر از ۲۰۰۰ دلار و اقتصاد آنها عامل محور^۱ است. این کشورها عمدتاً صادرکننده منابع طبیعی و کالاهای کم ارزش هستند. بنگاه‌های اقتصادی این کشورها عمدتاً به تولید کالاهای اولیه‌ای اشتغال دارند که سهم آنها در زنجیره ارزش اندک است. نوسانات بهای مواد اولیه، تغییرات نرخ ارزهای معتبر و سیکل‌های اقتصادی دنیا به شدت در اقتصاد این کشورها تأثیر می‌گذارد.

- مرحله دو

کشورهایی که دارای اقتصاد کارآیی محور^۲ هستند و درآمد سرانه آنها بین ۳۰۰۰ تا ۹۰۰۰ دلار است. کشورهایی که درآمد سرانه آنها بیش از ۲۰۰۰ دلار و کمتر از ۳۰۰۰ دلار است در حال انتقال یا گذار از مرحله یک به مرحله دو هستند.

- مرحله سه

کشورهایی که اقتصاد آنها برنوآوری متکی است و اصطلاحاً «نوآوری محور^۳» نامیده می‌شوند. درآمد سرانه این کشورها بالاتر از ۱۷۰۰۰ دلار است. کشورهایی که درآمد سرانه آنها بین ۹۰۰۰ تا ۱۷۰۰۰ دلار است، در حال گذار از مرحله دو به مرحله سه

۱ - Factor Driven

۲ - Efficiency Driven

۳ - Innovation Driven

می‌باشند.

رقابت‌پذیری و صادرات

عوامل متعددی در رقابت‌بنگاه‌های اقتصادی در بازارهای صادراتی تأثیر می‌گذارند. این عوامل به اختصار عبارتند از:

۱- عوامل داخلی

مهمترین عامل توانمندی‌های مدیران و کارآفرینان و میزان آگاهی آنان در زمینه تکنولوژی، بازاریابی و فنون نوین مدیریت است. کیفیت تولید در یک کشور و درجه صنعتی شدن آن و نحوه حمایت دولت از بخش صادرات (قوانین، مقررات، یارانه‌ها، زیرساخت‌ها و نظایر آن‌ها) از اهمیت خاصی برخوردارند.

۲- عوامل خارجی

عضویت کشورها در پیمان‌های منطقه‌ای یا سازمان‌های اقتصادی و موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای که صادرکنندگان در بازارهای هدف مواجه هستند، دسترسی آزادانه به بازارهای مورد نظر یا عدم دسترسی به این بازارها به سبب تحریم‌های اقتصادی یا تعامل غیرفعال و بعد جغرافیایی و فاصله بسیار زیاد با بازارهایی که می‌توانند در زمره خریداران بالقوه کالاهای صادراتی باشند؛ از عوامل تأثیرگذار در رقابت‌پذیری بخش صادرات هستند.

دشواری دستیابی به فناوری پیشرفته، به سبب نارسایی قوانین مرتبط با حمایت از حقوق مالکیت معنوی یا عدم همکاری کشورهای دارنده فناوری پیشرفته مانع از تولید کالاهایی می‌شود که دانش بر^۱ نامیده می‌شوند. بدین ترتیب واحدهای تولیدی قادر به ساخت کالاهایی که درآمد ارزی بیشتری نصیب کشور می‌کند و موقعیت کشور را از لحاظ رقابت‌پذیری ارتقاء می‌بخشد، نخواهند بود.

مدل توسعه اقتصادی کشور

در ادبیات جدید جهانی برای توسعه کشور نقش محدودی به دولت‌ها واگذار شده است. این تحول در ادبیات اقتصادی بی‌دلیل نیست. امروزه بسیاری از کشورها بدون دخالت‌های مستمر دولت، توسعه یافته‌اند و وظیفه توسعه‌ای دولت را تنها به بسترسازی و زمینه‌سازی برای فعالیت اقتصادی بنگاه‌ها محدود کرده‌اند. این در حالی است که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ و حتی ۷۰ میلادی، دولت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات اقتصادی در کشورهای جهان، به خصوص در کشورهای در حال توسعه، داشته‌اند. در دهه گذشته با تکیه بر تعیین‌کنندگی بنگاه‌های اقتصادی، مدلی با ۳ مؤلفه اصلی برای پایه‌گذاری توسعه اقتصادی کشورها طراحی شده است که از سادگی و تناسب قابل توجهی برخوردار است.

در یک کلام می‌توان توسعه و بهبود و رونق اقتصادی یک کشور را تابعی از سه عنصر کاملاً مرتبط به هم دانست. این عناصر به شرح زیر می‌باشند:

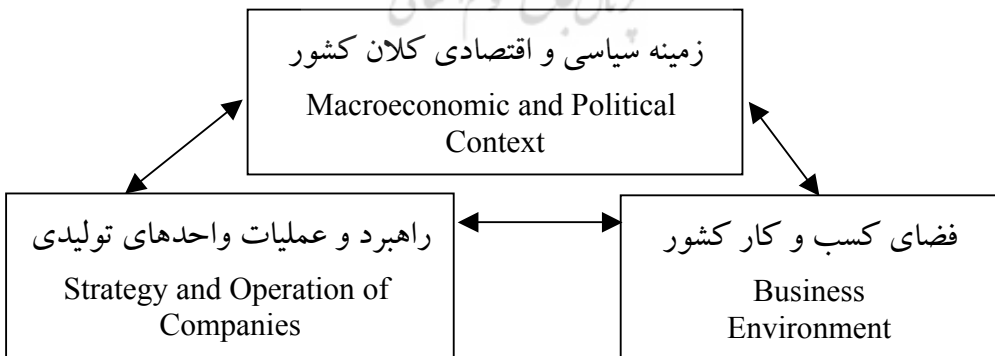
۱- زمینه مناسب سیاسی و اقتصادی کلان کشور؛

۲- فضای کسب و کار در سطح خرد؛

۳- عملیات و راهبرد شرکت‌ها.

اولی زمینه‌ساز و دومی فضای کسب و کار کشور را برای بهره‌وری و رقابت‌پذیری بیشتر آماده می‌کنند و سومی موجب تحرک، نرخ رشد اقتصادی، و رقابت‌پذیری در پهنه جهانی است.

ارتباط این سه حوزه را می‌توان به شکل زیر نشان داد:



رقابت پذیری و یکپارچگی در سیاست‌های صنعتی کشور

- ارتقای نظام سیاستگذاری در حوزه صنعت و معدن و کاهش تصدی‌گری

۱- اصلاح نظام سیاستگذاری صنعتی با تأکید بر نگرش یکپارچه به صنعت تجارت و اقتصاد، توجه به روابط متقابل بین سیاست‌های حوزه صنعت با سایر حوزه‌های اقتصادی؛
 ۲- تلاش در جهت ایجاد ثبات حداکثری در قوانین و مقررات در حوزه‌های مرتبط با بخش صنعت و معدن به منظور کاهش درجه خطرپذیری برای سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی؛

۳- تقویت تشکل‌ها و انجمن‌های تخصصی و صنفی تولیدکنندگان بخش غیردولتی؛

۴- تسریع در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ و تداوم خصوصی‌سازی همراه با توسعه پیش‌نیازها و زیرساخت‌های بازارهای رقابتی و رفع انحصارهای غیرضروری؛
 ۵- اصلاح سیاست‌های تجاری به منظور حمایت از قانون همراه با ارتقای کیفیت محصولات داخلی و افزایش مزیت‌های رقابتی به منظور توسعه صادرات و اصلاح مقررات کندکننده روند تولید؛

۶- حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری‌های بخش غیردولتی در حوزه صنعت و معدن با رعایت اولویت‌ها و مزیت‌های منطقه‌ای؛

- افزایش توان رقابت‌پذیری بنگاه‌های تولیدی با محوریت توسعه صادرات

۱- افزایش رقابت‌پذیری از طریق ارتقای کیفیت و کاهش هزینه‌های تولید؛

۲- استمرار حمایت از ارتقا کیفی و تنوع بخشی به محصولات صنعتی و معدنی در راستای رسیدن به تولید در کلاس جهانی؛

۳- تسریع و تسهیل در فرآیند شکل‌گیری شبکه‌ها و خوشه‌های صنعتی و تعاونی‌های مختلف سهامی عام در بین بنگاه‌های تولیدی خصوصاً SME‌ها؛

۴- پیگیری در جهت توسعه و تقویت بورس بین‌المللی با هدف کاهش هزینه‌های حضور در بازار.

- افزایش بهره‌وری در صنعت

- ۱- اندازه‌گیری و اعلام شاخص‌های بهره‌وری در سطوح مختلف بخش صنعت و معدن؛
- ۲- اجرای کامل سیاست‌های اصل ۴۴ و قانون مصوب در جهت واگذاری هوشمندانه مدیریت و مالکیت بنگاه‌های صنعتی و معدنی به بخش خصوصی؛
- ۳- تخصیص منابع با اولویت‌دهی به سرمایه‌گذاری با بهره‌وری بالا؛
- ۴- نوسازی تدریجی صنایع فرسوده به منظور بهبود شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید؛
- ۵- همکاری با نهادهای آموزشی برای تقویت ارتباط و تناسب بین سیستم آموزش رسمی و آموزش مهارتی با بازار کار؛
- ۶- ایجاد مشوق‌های مناسب برای شرکت‌ها و سازمان‌ها برای ارتقای بهره‌وری از محل منابع پیش‌بینی شده در اصل ۴۴ و لایحه هدفمندسازی یارانه‌ها و سایر منابع در دسترس.

- مدیریت بحران جهانی اقتصاد با هدف حداقل‌سازی اثرات مخرب

- ۱- افزایش سرعت عمل در تصمیم‌گیری و وضع مقررات و تسهیلات لازم مانند کارگروه ویژه تولید که به ریاست رئیس جمهور محترم تشکیل گردیده است و تشکیل کارگروه‌های تخصصی متناظر با آن؛
- ۲- اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی روزآمد به بنگاه‌های تولیدی در خصوص میزان و نحوه اثر بحران در صنایع مختلف در کوتاه مدت و بلندمدت از طریق رسانه‌های عمومی، نشریات و سایت‌های حوزه صنعت و معدن، برگزاری دوره‌های آموزشی؛
- ۳- شناسایی و تدوین تأمین منابع مالی با توجه به شرایط بحران؛
- ۴- بهره‌گیری از اهرم‌های حقوقی و قانونی برای حمایت از صنایع دچار بحران؛
- ۵- محدودیت یا ممنوعیت ورود کالاهای خارجی بدون کیفیت و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات ضد دامپینگ.

- تشکیل کارگروه ویژه تأمین منابع مالی برای بخش صنعت و معدن با

مشارکت دستگاه‌های ذیربط و تشکل‌های فراگیر با هدف:

- ۱- جذب سرمایه‌های خارجی به منظور تأمین سرمایه‌های لازم در بخش صنعت و معدن؛
- ۲- برنامه‌ریزی و هماهنگی جهت تسهیل در جذب سرمایه‌های بانک‌ها و سایر مؤسسات

مالی و اعتباری در بخش صنعت و معدن؛

۳- ایجاد بانک اطلاعات جامع سرمایه و سرمایه گذاری در بخش صنعت و معدن؛

۴- تدوین برنامه کاهش خطرپذیری سرمایه در فضای کسب و کار در حوزه توسعه فناوری با مشارکت شرکت های دانش بنیان؛

۵- تعریف و ارائه راهکارهای ویژه جذب سرمایه های خارجی برای سرمایه گذاری در فناوری های پیشرفته.

– اهتمام ویژه بر توسعه صنایع مبتنی بر فناوری های پیشرفته

۱- تقویت و گسترش صندوق های تحقیق و توسعه بخش خصوصی و دولتی در حوزه فناوری های پیشرفته و تلاش جهت تجهیز هرچه بیشتر منابع آنها؛

۲- نفوذ فناوری های نو در صنایع موجود کشور؛

۳- توسعه و تقویت تشکل های تخصصی صنایع نوین؛

۴- گسترش شرکت های کوچک و متوسط فناوری.

۵- تشکیل کنسرسیوم های مشترک جهت انجام پژوهش های کلان راهبردی و نیازمحور در حوزه های استراتژیک مانند خودروهای هیبرید پیل سوختی، غشاها و با رویکرد تجاری سازی؛

۶- حمایت قانونی از شرکت های ایرانی برای انجام پژوهش های مشترک و ایجاد سرمایه گذاری مشترک^۱ با شرکت های خارجی به منظور کسب، جذب و صادرات فناوری به ویژه در حوزه فناوری های پیشرفته؛

۷- ایجاد بانک جامع اطلاعات فناوری و دانش فنی؛

۸- توسعه برنامه تجاری سازی یافته های پژوهشی دانشگاه ها و مراکز پژوهشی کشور.

– عدالت محوری و ایجاد تعادل و توازن منطقه ای

۱- ساماندهی و بهبود نظام سیاست گذاری در کلیه سطوح اجرایی در راستای شفاف سازی و ایجاد فرصت های برابر برای سرمایه گذاران؛

- ۲- ابطال جوازهای تأسیس راكد و پایش دوره‌ای طرح‌های در دست اجرای آنها جهت شفاف کردن افق سرمایه‌گذاری برای کارآفرینان این عرصه؛
- ۳- ادامه اصلاح محدوده‌های معدنی و اجرای کامل آن در کشور و امکان استفاده کامل از ثبت مکانیزه محدوده‌ها؛
- ۴- جلوگیری از ایجاد انحصار در انجام فعالیت‌های صنعتی و معدنی؛
- ۵- فراهم‌سازی بسترها و ساختارهای مورد نیاز جهت حفظ حقوق مالکیت معنوی.

- حمایت از اشتغالزایی مولد در بخش معدن و صنایع معدنی

- ۱- تقویت، حمایت و توسعه طرح فاجد در راستای جذب فارغ‌التحصیلان جوان در فعالیت‌های اکتشافی و معدنی کشور؛
- ۲- استمرار در راه‌اندازی و فعال نمودن معادن متروکه با هدف جذب فارغ‌التحصیلان بخش معدن.

منابع

- آقازاده، هاشم و استیری، مهرداد و اصائلو، بهاره (۱۳۸۶)، بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر رقابت‌پذیری بنگاه‌ها در ایران، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال ششم، شماره سوم، پاییز.
- مرادی، مرتضی و شفاپی، رسول (۱۳۸۳)، رقابت‌پذیری از دیدگاه «مدل الماس» پورتر، *ماهنامه تدبیر*، شماره ۱۶۴، تیرماه.
- شهیندخت خوارزمی (۱۳۷۹)، نگاه پورتر به بنگاه و توسعه اقتصادی، *مجله تدبیر*، شماره ۱۱۰، آذر ماه.
- _____ (۱۳۸۸)، رقابت‌پذیری و یکپارچگی در سیاست‌های صنعتی در برنامه پیشنهادی وزیر صنایع و معادن مطرح شد، *ایران اقتصادی*، شماره ۴۲۹۴، سال پانزدهم، ۸۸/۶/۳.
- Barlow, N.; Lyons, A.; Oxtoby, B. (2000) *A Process for Achieving Sustainable Competitiveness*, 3rd Working Conference on Engineering Education, 17-20 April, Sheffield, UK
- _____ (1998), *Our Competitive Future: Building the Knowledge-Driven Economy*, Department of Trade and Industry, November.
- Mc. Kinsey (1998), *Report on UK Economic Growth*, Productivity and Employment, April.
- _____ (1998), *Study on Japanese Automotive Component Manufacturers in Britain*, Internal DTI Study, April.
- National Qualifications Framework, www.qca.org.uk
- Atiyas, Izak; Dutz, Mark; and Frischtak, Claudio; with Bitá Hadjimichael (1991), *Fundamental Issues and Policy Approaches in Industrial Restructuring, Industry Series Paper*, No. 56, The World Bank, April 1992
- Robert Grant. (1991) Porter Competitive Advantage of Nation: An Assesment, *Strategic Management journal*. Vol.12.